

بررسی عدالت در روابط زناشویی همسران از منظر اسلام

احمد رضا دردشتی*

چکیده

مسائل انسان‌شناختی، اخلاقی و حقوقی اسلام درباره زنان، همواره مورد بحث، ارزیابی، تبیین و تنقیح بوده است. یکی از مسائلی که امروزه و بیش‌تر متأثر از تحولات فرهنگی و سیاسی و نظریات محققان غربی مطرح می‌شود، مسأله نیازهای جنسی زنان و شیوه‌های پاسخ‌دهی به آن است. از منظر اسلام، زنان نمی‌توانند نیازهای جنسی خود را جز از طریق یک همسر مشروع برآورده سازند و هر راه دیگری جز این، گناه و جرم تلقی می‌شود. در عین حال به مردان اجازه داده می‌شود، تا چهار همسر عقدی و همسران موقت متعدد اختیار و نیازهای جنسی خود را تأمین کنند.

امروزه این مسأله به صورت جدی مطرح است که قوانین اسلام در موضوع رفتارهای جنسی زن و مرد، عادلانه رفتار نکرده، و زنان را از روش‌هایی که مردان برای تأمین نیاز جنسی، مجاز به بهره‌جستن از آن‌اند، محروم کرده و کرامت آنان را در نظر نگرفته است. در مقاله حاضر، ضمن تبیین معیارهای کرامت انسانی از نظر اسلام و بررسی اجمالی حقوق خانوادگی زنان، به ویژه حقوق جنسی، به پاره‌ای از حکمت‌های جواز چندهمسری برای مردان و ممنوعیت آن برای زنان، با استفاده از منابع اسلامی و تحقیقات روان‌شناختی و اجتماعی خواهیم پرداخت.

کلید واژگان: نیاز جنسی زنان، عدالت جنسی، کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی، حقوق خانوادگی زنان، چندزنی، چندشوهری.

*. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، Porsech.Ahmad.reza@gmail.com

مقدمه

یکی از مسائلی که در دهه‌های اخیر، متأثر از تحولات فرهنگی و سیاسی و تحقیقات جامعه‌شناسی جنسیت و روان‌شناسی زنان (روان‌شناسی تفاوت‌های فردی)، برجستگی و اهمیت بیش از پیش یافته، مسأله امیال جنسی زنانه است. روان‌شناسان و جامعه‌شناسان فمینیست، بیش‌ترین نقش را در ایجاد این جریان داشته‌اند؛ با این هدف که اثبات کنند میان زن و مرد از نظر مسائل مختلف فردی و اجتماعی و از جمله، نیاز و میل جنسی، تفاوت اصلی وجود ندارد و اگر تفاوت‌هایی هم وجود دارد، محصول محیط و تربیت اجتماعی است (رک: رودز، ۱۳۹۲، ص ۱۳۶). اما این تحقیقات به سود جریان فکری فمینیسم تمام نشد؛ بلکه به روشنی به دست آمد که زنان و مردان با وجود اشتراکات فراوان جسمی و روحی، تفاوت‌های بسیاری در ابعاد گوناگون دارند (رک: منطقی، ۱۳۹۰، فصل تفاوت‌های زن و مرد). قابل‌انکار نیست که محیط و تربیت در شکل‌گیری شخصیت انسان، چه زن و چه مرد، تأثیرگذار و نقش‌آفرین است؛ اما یقیناً این تأثیر و نقش‌آفرینی تا حدی است که ژنتیک، طبیعت و فطرت و مهم‌تر از همه، فرهنگ، دانش و اراده آزاد انسان‌ها اجازه می‌دهد. زن و مرد هر دو انسان‌اند؛ اما تفاوت‌های مهمی با هم دارند که خداوند حکیم آن‌ها را پدید آورده است تا بتوانند تکالیف متفاوتی را در زندگی بر عهده گیرند و نقش خود را در شبکه ارتباطات انسانی ایفا کنند. از نگاه اسلام، ویژگی‌های مختلف جسمی و خصلت‌های متفاوت روان‌شناختی زن و مرد، تنها برای تمایز و به انجام رساندن موفق رسالتی است که آفرینش برای آن‌ها در نظر داشته است و هرگز مایه برتری یکی بر دیگری نیست (حجرات: ۱۳).

تفاوت‌های اساسی زن و مرد از لحاظ نورولوژیک (عصب‌شناسی)، فیزیولوژیک (تن‌کارشناسی) و روانشناختی (اسلامی‌نسب، ۱۳۸۵، بخش اول و دوم)، به صورت طبیعی، تفاوت‌هایی را در حیطه اخلاق، حقوق و تکالیف اجتماعی به دنبال دارد. اسلام به عنوان دین هماهنگ با فطرت انسانی (ر.ک. روم: ۳۰)، با مبنا قرار دادن فطرت زن و مرد، به اشتراک‌ها و تفاوت‌های این دو صنف انسانی توجه کرده و برنامه‌های اخلاقی، حقوقی و عملی خود را بر آن استوار ساخته است (ر.ک. روم: ۳۰).





امروزه با تحول در نظام فکری غرب، گسترش علوم تجربی و طرح نظریه‌های حقوقی جدید، مباحثی مطرح می‌شود که نظام معرفتی، ارزشی و فقهی - حقوقی اسلام را به چالش می‌طلبد. از جمله آن که نظام حقوقی - فقهی اسلام در موضوع روابط جنسی زن و مرد، کرامت زنان را لحاظ نکرده و بدون رعایت عدالت، جانب مردان را گرفته و زنان را از امتیازاتی که به مردان داده، محروم کرده است. از سویی به مردان اجازه داده است که برای پاسخ به تمایلات جنسی خود، تا چهار همسر عقدی دائم و بی‌نهایت همسر موقت بگیرند و در هر زمان و مکانی، نیاز جنسی خود را ارضا کنند؛ و از دیگر سو، زنان را در چارچوب یک ازدواج و ارتباط با یک همسر، محدود کرده است. پرسش این است که چرا زنان نمی‌توانند همانند مردان از آزادی جنسی برخوردار باشند؟ زنی که به سبب محرومیت از ازدواج یا بد رفتاری یا دوری یا ناتوانی همسر، از فرصت تأمین امیال جنسی خود محروم است، چه باید بکند؟! اسلام در این خصوص راهکاری جز صبر و محروم ماندن ندارد! چرا به چنین زنی اجازه داده نمی‌شود تا از طریق ارتباط موقت یا دائم با مردان دیگر نیاز خود را تأمین کند و به انواع بیماری‌های جسمی و روانی گرفتار نشود؟! این بی‌عدالتی، آشکارا با کرامت زنان، ناسازگار، و نشانه روشنی بر سطره تفکر مردسالارانه بر نظام حقوقی و اخلاقی اسلام است! در ادامه ضمن تبیین اجمالی ملاک‌های کرامت و ارزش از دیدگاه انسان‌شناسی اسلام و بررسی راهکارهای فقهی و حقوقی تأمین نیاز جنسی زنان در قرآن و سنت، به پاره‌ای از حکمت‌های موجود در میانی و مسائل متفاوت فقهی و حقوقی زن و مرد در موضوع رفتارهای جنسی اشاره خواهیم کرد.

زن از منظر انسان‌شناسی اسلام

اساساً نگاه دین اسلام به زن، نگاهی آمیخته با تکریم، احترام، تقدیس و محبت است. زن، به عنوان مظهر جمال و رحمت خداوند، در ذهن، زبان و رفتار پیامبر و امامان هدی علیهم‌السلام جایگاهی رفیع و منحصر به فرد دارد.

از منظر آموزه‌های انسان‌شناختی و اخلاقی اسلام، وجود لطیف و رازآلود زن، خاستگاه خیر کثیر^[۱] (حر العاملی، ۱۳۸۵ق، ج ۲۰، ص ۲۴)، منبع آرامش^[۲] (روم: ۲۱) و جوشش مهربانی و محبت است^[۳] (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۳۳۶). طبق روایات، مردان هراندازه که مراتب ایمان و قرب خداوند را پشت سر بگذارند و گامی به او نزدیک شوند، محبت و علاقه



به زنان نیز در قلبشان افزون می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۸۸) از نظر اهل بیت علیهم‌السلام زنان را جز بزرگواران، گرامی نمی‌دارند و جز فرومایه‌گان تحقیر نمی‌کنند^[۴] (پاینده، ۱۳۶۳، ص ۴۷۲). رفتار عاطفی پیامبر با دخترش فاطمه زهرا علیها السلام و همسرانش، به‌ویژه خدیجه کبری علیها السلام و نیز شیوه رفتاری امامان اهل بیت علیهم‌السلام با زنان و دخترانشان، بهترین گواه بر نگاه پرمهر و قداست اسلام به زن و زنانگی است.^[۵] (رک: رحمانی همدانی، ۱۳۷۸، فصل دهم) برای درک این مطلب، کافی است به جایگاهی که زنان نمونه اسلام نزد شیعیان دارند، بنگریم. همه شیعیان، اعم از مرد و زن، به محبت و ارادت قلبی خود نسبت به آن‌ها افتخار می‌کنند و بر طبق باورهای دینی، در مشکلات زندگی به آن‌ها توسل جسته و از آنان شفاعت اخروی می‌طلبند.

بر پایه تعالیم قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام معیار ارزش انسان‌ها، چه زن و چه مرد، ایمان (بقره: ۳-۵)، تقوا^[۶] (حجرات: ۱۳)، عدالت (مائده: ۸) و دانش سودمند (مجادله: ۱۱) است. زن و مرد در گوهر انسانیت، یعنی عقل، ایمان، اخلاق و عمل صالح یکسان‌اند و در این مرتبه، هیچ کدام بر دیگری، برتری ماهوی و ذاتی ندارد.^[۷] (احزاب: ۳۵).

زن و مرد در ملاک‌هایی که اسلام برای کرامت انسانی معرفی کرده است، تفاوتی ندارند و اگر تفاوتی هست، در مرتبه بعد و در نظام‌های حقوقی و تا اندازه‌ای، مسائل اخلاقی است. در قرآن کریم، دو آیه در باب ملاک کرامت انسان‌ها وجود دارد که از محکمت آیات قرآنی به شمار می‌روند و هر حکم و برداشت متشابه یا مفهوم و گزاره مبهمی باید ذیل آن دو معنا شود:

آیه اول: «یقیناً فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را بر تصرف و تحرک در خشکی و دریا توانا نمودیم و از خوردنی‌های پاک [و سازگار با وجودشان به آن‌ها] روزی کردیم و آنان را بر بسیاری دیگر از آفریدگان خود برتری ویژه‌ای دادیم»^[۸] (اسراء: ۷۰).

در این آیه سخن از کرامت ذاتی همه فرزندان آدم، چه زن و چه مرد، است و هر دو جنس به تاج «کَرَمًا» تکریم شده‌اند. البته کرامت ذاتی، کرامتی غیراختیاری است و اگر ستایشی از آن هست، که هست، ستایش از قدرت، رحمت و حکمت خدای آفریننده انسان‌هاست (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱۵، ص ۱۵۸) هرچند خود خداوند، انسان‌ها را به سبب کرامت ذاتی، تکریم کرده و بر اساس آن، هرگونه ستم، تحقیر و توهین به هر یک از

انسان‌ها را روا ندانسته است (بستان، ۱۳۹۰، ص ۳۰). مقصود از کرامت ذاتی، همان استعداد تعالی و تکامل عقلی، جسمی، عاطفی و رفتاری انسان نسبت به دیگر موجودات، و نیز قدرت فهم و انتخاب نیک و بد و استعداد پیمودن درجات قرب خداوند و احراز مقام جامعیت اسماء و صفات حضرت حق است.^[۹] (طباطبایی، ۱۳۹۳، ق، ج ۱۳).

آیه دوم: «ای مردم! همانا شما را از مرد و زنی آفریدیم و در گروه‌ها و قبیله‌های گوناگون جای دادیم، تا یکدیگر را بهتر بشناسید [و بتوانید با هم بهتر تعامل کنید؛ هیچ یک از تفاوت‌ها در رنگ، زبان، جغرافیا، تاریخ و ... هرگز مایهٔ فخر و مباهات و برتری‌طلبی نیست؛ بلکه یگانه ملاک برتری، تقواست.] یقیناً گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست!»^[۱۰] (حجرات: ۱۳).

این آیه از کرامتی سخن می‌گوید که آن را کرامت اکتسابی می‌نامیم (طباطبایی، ۱۳۹۳، ق، ج ۲۶، ۳۲۷) کرامت اکتسابی، یعنی تلاش و تکاپو برای به دست آوردن مراتب والاتر ایمان و تقوا، تخلق به خصلت‌های نیک و ستودهٔ الهی و انجام هرچه بیش‌تر و بهتر اعمال صالح (کهف: ۳۰) بر این اساس هرکس در این عرصه موفق‌تر و کوشاتر باشد، از کرامت و احترام و ارزش افزون‌تر و بالاتری نزد پروردگار برخوردار خواهد بود (قمر: ۵۴ - ۵۵) پس در عرصه اکتساب کرامت و احراز مراتب عالی و اعلائی کمال انسانی هم میان زن و مرد تفاوت جوهری وجود ندارد و تفاوتی اگر هست، که هست، در برخی از جلوه‌های تقوا و عمل صالح است، نه در ریشه و گوهر آن!

زن و مرد با وجود اشتراک‌های فراوان در ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی که جوهرهٔ انسانیت است و سعادت ابدی آن‌ها را رقم می‌زند، تفاوت‌های قابل توجه و چشم‌گیری در ابعاد گوناگون اعم از، شناختی، عاطفی، فیزیکی، فیزیولوژیک و رفتاری دارند (رک: منطقی، ۱۳۹۰، فصل دوم) اسلام، دینی واقع‌گرا و به تعبیر دقیق‌تر، دین فطرت است (روم: ۳۰) از این رو، احکام و قوانین حقوقی و اخلاقی آن، بر واقعیت‌های وجودی زن و مرد و جامعهٔ انسانی بنا شده است. اسلام به آرمان‌ها نظر دارد و از لحاظ نظری و علمی آرمان‌گرا است (کهف: ۱۱۰)، اما هرگز از واقعیت‌ها چشم نمی‌پوشد و از آن غافل نمی‌ماند (طلاق: ۷) بر این اساس، آموزه‌های معرفتی و ارزشی و نیز احکام و قوانین فقهی و حقوقی آن متناسب و هماهنگ با فطرت و سرشت زن و مرد است؛





تا جایی که یکی از ملاک‌های مشروعیت احکام و آموزه‌های فقهی و اخلاقی و غیر آن، هماهنگی با عقل و فطرت انسانی و در تعارض نبودن با طبیعت اوست (رک: سبحانی، ۱۳۸۰، ص ۱۰) همچنان که بر اساس ضوابط فقهی اسلامی، احکام شرعی نه تنها در مرحله تشریح، متناسب با واقعیت‌های وجودی انسان‌ها تعیین شده‌اند (بقره: ۲۸۶)، بلکه هر حکمی که در مرحله اجرا، به زیان مکلف یا دیگری باشد یا او را در سختی و تنگنا قرار دهد، از درجه اعتبار ساقط می‌شود (رک: حج، ۷۸ و انصاری، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۶۳).

اسلام در مسئله نیازهای جنسی نیز یک‌سونگری نکرده و نیازهای مردان را بر نیازهای زنان ترجیح نداده است؛ بلکه به نیازها، امیال و خواسته‌های مشروع و طبیعی هر دو جنس توجه کرده و قوانین حقوقی و اخلاقی خود را بر اساس عدالت سامان داده است. البته عدالت در همه جا به معنای مساوات نیست؛ بلکه گاهی مستلزم تفاوت است. زندگی مشترک باید بر پایه اخلاق نیک، محبت و عشق استوار شود و همسران بیش و پیش از آن که حقوق خود را مطالبه کنند، با میل و رغبت و از سر مهربانی، محبت و گذشت به هم بنگرند و هم‌چون لباسی سازوار (بقره: ۱۸۷) نیازهای یکدیگر را به صورت کامل و احترام‌آمیز پاسخ دهند. در چنین شرایطی، احکام و حقوق فقهی، به عنوان کف و حداقل مناسبات میان همسران مطرح می‌شود و با توصیه‌ها و راهبردهای اخلاقی و تربیتی کامل می‌گردد.

بنابراین، فهم دیدگاه اسلام در مسئله مناسبات و روابط همسران در ابعاد و سطوح مختلف، مستلزم توجه به مجموعه احکام فقهی و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی است و نداشتن نگاه جامع به آموزه‌های دین، محقق را به دام تفسیر به رأی و بی‌انصافی علمی می‌کشانند. همچنان که بی‌اعتنایی به مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی دین و حکمت‌های قابل فهم احکام و قوانین آن، سبب می‌شود که دین اسلام را عقل‌ستیز یا متعارض با اخلاق بپنداریم. پرسش‌ها و احیاناً شبهاتی که درباره نظام حقوقی و فقهی اسلام در موضوع روابط جنسی همسران مطرح است، پرسش‌ها و مسائلی جدی و در خورتأمل، و نیازمند تحلیل و بررسی است. برای پاسخ به این پرسش‌ها و تبیین دقیق مسأله، کوشش در تبیین این واقعیت که اسلام در موضوع نیاز جنسی چه ملاحظاتی را در نظر داشته و چه حکمت‌ها و ظرایفی را مورد توجه قرار داده است، راهگشا خواهد بود.

عدالت جنسی یا تبعیض جنسی؟!

شکی نیست که در احکام فقهی مرتبط با روابط و رفتار جنسی، میان زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد. حال پرسش این است که آیا این تفاوت‌ها ظالمانه است یا عادلانه؟ یقیناً عدالت در برخی از مصادیق، مستلزم تساوی و تشابه، در برخی مصادیق، مستلزم تساوی و نه تشابه و در برخی مصادیق دیگر، مستلزم تفاوت است (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۸۴).

تفاوت، آن هنگام ناعادلانه است که دو فرد از هر جهت در وضعیت یکسانی قرار داشته باشند، اما بهره نامساوی دریافت کنند و نصیب نامتوازن ببرند؛ ولی اگر براساس حکمت و با ملاحظه ویژگی‌های متفاوت، بهره نامساوی ببرند، نه تنها ظلم نیست، بلکه عین عدالت و انصاف است! اگر زن و مرد از لحاظ ساختمان بدنی، ساختار روانی و جایگاه و نقش اجتماعی، وضعیتی کاملاً مساوی و مشابه داشتند، یقیناً می‌بایست از احکام و حقوق مساوی و مشابهی هم برخوردار شوند. اما حال که زن و مرد در هر کدام از این سه بعد انسانی، تفاوت یا تفاوت‌های مهمی دارند، تحقق عدالت، مستلزم تفاوت در حقوق، تکالیف و اخلاق کاربردی است.

بر خلاف تصور رایج، شریعت اسلامی علاوه بر توصیه‌های اخلاقی، از لحاظ حقوقی و فقهی هم مردان را به تأمین نیازهای جنسی، عاطفی و اجتماعی زنان مکلف کرده است. از منظر دین، بر مردان واجب است که نیازهای مشروع و طبیعی زنان را به میزانی که عرف جامعه می‌پسندد، تأمین کنند (نساء: ۱۹)؛ بنابراین اگر در جامعه، بخشی از حقوق بانوان یا تکالیفی که بر عهده مردان قرار دارد، مغفول مانده است، علت را نه در احکام فقهی دین و آموزه‌های اخلاقی آن، بلکه در نظام آموزشی جامعه باید جستجو کرد.

واقعیت این است که بسیاری از مردان و زنان، به درستی و کمال، با حقوق و تکالیف همسری خود آشنا نیستند. از این رو آگاهی زنان از حقوق و تکالیف خود در زندگی مشترک، یکی از عوامل مهم کاهش بی‌عدالتی علیه آنان و افزایش رضایتمندی آنان است. در ادامه، برای روشن شدن بحث به پاره‌ای از حقوق زنان در مناسبات همسری اشاره می‌کنیم.

حقوق زن در خانواده

۱. تهیه مخارج و لوازم زندگی

تأمین مخارج زن بر مرد واجب است و مقدار آن بر اساس نیاز و شأن زن تعیین می‌شود (امام خمینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۹۹) در ماده ۱۱۰۷ بازنگری شده قانون مدنی جمهوری





اسلامی، در توضیح تکالیف مرد در برابر همسر، چنین آمده است: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم، در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض» (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۶۷۲).

۲. آراسته و پاکیزه بودن شوهر

همان‌گونه که مرد انتظار دارد همسرش زیبا، پاکیزه، مرتب و منظم باشد، زن نیز این انتظار مشروع را از شوهر خود دارد. این موضوع جزء حقوق زن به حساب می‌آید. آراستگی مرد، رضایت زن را از زندگی تأمین می‌کند، بر عفت و پاکدامنی او می‌افزاید و او را از چشم‌داشتن به دیگر مردان باز می‌دارد.

یکی از یاران امام هفتم علیه السلام از ایشان درباره علت خضاب کردن سؤال کرد. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «آراستگی و خودآرایی مرد موجب افزایش عفت زن می‌شود. زنان بنی‌اسرائیل از آن رو عفت را ترک کردند که شوهران خود را مرتب و آراسته نیافتند». سپس فرمود: «زن از مرد، همان انتظاری را دارد که مرد از زن دارد!» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۵).

۳. معاشرت نیکو

زن برای مرد، هدیه، نعمت و امانت الهی است؛ از این رو، شایسته برخورد و تعاملی پسندیده است (همان، ج ۷۸، ص ۲۳۶) تکریم و بزرگداشت زنان و پرهیز از اهانت و تحقیر آن‌ها، وظیفه دینی، انسانی و اخلاقی همسران است. مرد نباید عیوب همسر خود را بزرگ جلوه دهد، بلکه براساس دستورات دینی، باید آن را بپوشاند (حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۱۵، ص ۱۷۵ و ج ۲، ص ۱۹۶).

از موارد مهم معاشرت نیکو، بخشش خطاهای همسر است. آنان که از خطاهای دیگران می‌گذرند و از حق شخصی خویش به سود دیگری صرف نظر می‌کنند، محبت دیگران را به خود جلب می‌کنند و آنان را نسبت به خویش، خوش‌بین، وفادار و با محبت نگاه می‌دارند (احمدرضا دردشتی، ۱۳۹۱، ص ۸۰).

۴. تأمین نیاز جنسی

یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل خانواده، تأمین نیاز جنسی همسران است. احساسات جنسی از مهم‌ترین احساسات انسانی است، برای حفظ و استمرار سلامت جسمی و آرامش روانی همسران و کارآمدی کانون خانواده، اولین نکته، تصدیق و درک احساس جنسی همسر است. شرع مقدس اسلام، برآورده کردن نیاز جنسی زن را جزء حقوق وی و از تکالیف مرد شمرده است. قرآن کریم روابط جنسی را برای زندگی، زینت به حساب آورده است (آل عمران: ۱۴۰).

شواهد متعددی بر این حق زن دلالت دارند که می‌توان آن‌ها را در سه دسته جای داد. دسته اول شواهدی هستند که بر این مسئله، اجمالاً و بدون بیان تفصیلی حدود آن، تأکید کرده‌اند. از میان این شواهد، می‌توان به روایاتی اشاره کرد که در آن از لزوم رسیدگی قضایی به دادخواست زنان درباره محرومیت جنسی، به دلیل ناتوانی یا خودداری همسر، سخن رفته است. طبق این روایات، مرد باید سوگند بخورد که با همسرش تماس جنسی داشته است تا از این اتهام تبرئه شود. روشن است که رسیدگی قضایی به دادخواست زن، نشانه پذیرش حق جنسی اوست (بستان، ۱۳۹۱، ص ۲۴۵).

در برخی از روایات بر وجوب ارضای نیاز جنسی زن توسط شوهر به طور اجمال تأکید شده است. به عنوان مثال، در روایتی صحیح السند، امام صادق علیه السلام درباره مردی که یک سال از بستر همسر خود دوری کرده بود فرمود: «بر او واجب است که با همسرش ارتباط جنسی داشته باشد.» (حرعاملی، ۱۳۸۵ق، باب ۱، ص ۵۳۵).

دسته دوم، آیات و روایاتی هستند که بر تکالیف شوهر در قبال زن دلالت دارند که طبعاً تکالیف جنسی را نیز در بر می‌گیرند. طبق برخی از این دلایل، اگر خطر به گناه افتادن زن وجود داشته باشد، شوهر به ارضای نیاز جنسی او موظف است.

برخی دیگر از آیات و روایات، معیار وسیع‌تری را برای وجوب این تکلیف در نظر دارند، و آن به مشقت و ضرر افتادن زن در اثر خودداری مرد از آمیزش جنسی است؛ هرچند به ارتکاب گناه منتهی نشود. از این گسترده‌تر، معیاری است که به وجوب ارضای نیاز جنسی زن توسط شوهر در صورت تمایل زن، نظر دارد؛ هرچند خوف گناه یا ضرر و مشقتی در میان نباشد.



این ادله اجمالاً به قاعده وجوب نهی از منکر، قاعده حرمت اعانت بر اثم،^[۱۱] قاعده نفی ضرر و ضرار^[۱۲] (فاضل لنکرانی، بی تا، ج ۱۳، ص ۴۲۴ و انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۳)، لزوم معاشرت به معروف^[۱۳] (نساء: ۱۹)، قاعده نفی حرج^[۱۴] (حج: ۷۸) و قاعده مماثلت در حقوق زن و مرد اشاره دارند.^[۱۵] (بقره: ۲۲۸).

حکمت‌های جواز چندهمسری برای مردان و ممنوعیت آن برای زنان

در اینکه زنان و مردان از جهات مختلفی با هم تفاوت دارند، جای تردید نیست (رک: منطقی، ۱۳۹۰، فصل دوم) همین تفاوت‌های مهم و بسیاری از حکمت‌های دیگر، قانونگذار اسلام را واداشته تا به مسأله نیاز جنسی زنان و مردان به صورت متفاوتی بنگرد.

نخست باید یادآوری کنیم که چندهمسری مردان تنها در اسلام جواز نیافته است، بلکه این مسئله ریشه در تاریخ جوامع بشری دارد؛ یعنی ضرورت‌های زندگی بشر از سویی و اقتضائات طبیعی مردان و زنان از دیگر سو، طالب این پدیده بوده است. کاری که اسلام انجام داد، این بود که اولاً چندزنی را محدود کرد و ثانیاً ضوابط نسبتاً سخت‌گیرانه‌ای برای استفاده از آن مقرر داشت (نساء: ۳ و ۱۲۹).

نکته دیگر این است که ادیان آسمانی، ضد هوسرانی و هواپرستی قیام کرده‌اند؛ تا آنجا که در غالب ادیان، ترک هوسرانی و هواپرستی، ولو با تحمل ریاضت‌های شاق توصیه شده است.

یکی از اصول واضح و مسلم اسلام نیز مبارزه با هواپرستی است. قرآن کریم هواپرستی را در ردیف بت‌پرستی قرار داده (جاثیه: ۲۳)، و انسان «ذوّاق» - یعنی کسی که در امور جنسی تنوع طلب است - را ملعون و مبعوض خداوند معرفی کرده است. امتیاز اسلام نسبت به برخی شرایع دیگر در این است که از طرفی ریاضت و رهبانیت را مردود شمرده (حدید: ۲۷)، و از طرف دیگر، هواپرستی را ممنوع کرده است. از نظر اسلام تمام غرائز، اعم از جنسی و غیر آن، باید در حدود اقتضا و احتیاج طبیعت انسانی اشباع و ارضا شود؛ نه آن که چون آتشی دامن انسان را بگیرد و به شکل عطش پایان‌ناپذیر روحی در آید.

از این رو هر چیز که رنگ هواپرستی یا ظلم و بی‌عدالتی به خود بگیرد، مطابق خواست اسلام نیست (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۷۷) چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از دواج کنید و طلاق ندهید؛ زیرا خدای متعال زنان و مردان تنوع طلب (ذوّاق) را دوست ندارد.» (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۲) امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «خداوند زنان و مردان تنوع‌طلب (ذوّاق) و ذوّاقه را دوست ندارد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۸۰).





هدف شارع اسلام از ازدواج موقت و تعدد زوجات، فراهم شدن زمینه عیاشی و ایجاد حرم‌سرا برای مردان هواپرست و بدبختی و دربه‌دوری برای یک زن و عده‌ای کودک نبوده؛ بلکه جواز ازدواج موقت و تعدد زوجات (و نه وجوب آن) در راستای تحقق اخلاق جنسی یعنی عفت و تقوا در امور جنسی تشریح شده است (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۷۸) اسلام راه را بر کام‌جویی مشروع و منضبط زنان و مردان نبسته است؛ بلکه با ایجاد مقررات معین و هدفمند به دنبال تحقق عفت عمومی و سلامت روانی و اجتماعی انسان‌هاست.

تشریح جواز ازدواج موقت و چندهمسری مردان مبتنی بر زمینه‌های واقعی روانی و اجتماعی جوامع بشری است که در ادامه به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. افت امیال جنسی زنان در ایام عادت ماهانه

زنان به صورت معمول، هرماه، یک دوره جنسی را تجربه می‌کنند. این دوره با لک‌بینی یا خون‌ریزی مهلبی (عادت ماهانه) آغاز می‌شود و تا شروع خون‌ریزی مهلبی بعدی ادامه می‌یابد. این فرایند مداوم، موجب پدیدآمدن نوسانات و شرایط متفاوتی در جسم و روان زنان می‌شود. مهم‌ترین اندام جنسی داخلی زنانه، تخمدان است. هر تخمدان از تعدادی واحد ساختمانی به نام فولیکول ساخته شده است که در هر دوره ماهانه، یکی از آن‌ها رشد کرده و یک تخمک آزاد می‌کند. یاخته میانی هر فولیکول (جسم زرد) سازنده تخمک است و یاخته‌هایی که اطراف آن قرار دارند، کمی استروژن و کمی پروژسترون ترشح می‌کنند. استروژن در دوره جنسی، باعث افزایش جریان خون در رحم و رشد عضلانی دیواره آن می‌شود و با اثر مستقیم بر هیپوتالاموس، میل جنسی زنان را افزایش می‌دهد (روحانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴).

زنان، از روزهای نزدیک به شروع عادت ماهانه، به سبب کاهش شدید استروژن و افزایش پروژسترون، معمولاً دچار اضطراب، آشفتگی، کم‌حوصلگی، خستگی، ضعف در بینایی و شنوایی، کاهش شدید میل جنسی، دردهای عضلانی و حالت تهوع می‌شوند (خداپناهی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۱) این حالات گاهی تا پایان ایام قاعدگی ادامه پیدا می‌کند.

از آن‌جا که هرمون استروژن، نقش مهمی در تحریک تمایلات جنسی زنان دارد و کاهش آن، موجب افت امیال جنسی آن‌ها می‌شود، برخی از زنان در این دوره از رفتارهای جنسی متنفر می‌شوند و از درخواست‌های جنسی همسر احساس کلافگی و بی‌زاری می‌کنند.

پس از پایان ایام عادت، و با افزایش هورمون استروژن و کاهش پروژسترون، حالات خلقی زنان رو به بهبودی نهاده، به موازات آن، بر امیال جنسی آن‌ها نیز افزوده می‌شود.



حالات مثبت خلقی و میل جنسی زنان، معمولاً در روزهای چهارده، پانزده و شانزدهم دوره جنسی به اوج خود می‌رسد. با گذشت روزهای میانی دوره، در صورتی که زن باردار نشود، دوباره میل جنسی سیر نزولی خود را آغاز می‌کند و تا رسیدن به روزهای قاعدگی جدید ادامه می‌یابد. این در حالی است که مردان هیچ‌گاه نوسانی را در میل جنسی تجربه نمی‌کنند و امیال جنسی آن‌ها همواره فعال است. زیرا هورمون‌های جنسی مردانه به صورت یک‌نواخت و همیشگی ترشح می‌شوند؛ تا جایی که هنوز از یک آمیزش جنسی فارغ نشده‌اند، به آمیزش جنسی بعدی می‌اندیشند! (رودز، ۱۳۹۲، ص ۸۰) اما زنان در روزهای قاعدگی و در روزهایی که از لحاظ روحی آمادگی ندارند، نمی‌توانند نیاز جنسی همسران خود را به‌طور کامل و رضایت‌بخش تأمین کنند. بنابر این روشن است که نیاز جنسی مردان بیشتر است و از آن‌جا که اسلام دین فطرت است، به آنان اجازه داده تا به نیاز طبیعی و مداوم خود به صورت مناسب و مشروع پاسخ دهند و از گناه و فساد دور بمانند.

این واقعیت را می‌توان از نگاه روان‌شناسی طبیعی و تکاملی هم بررسی کرد. بدن زنان در هر دوره جنسی، اغلب یک، و به ندرت دو یا چند تخمک را بارور، و برای لقاح آماده می‌کند که هر کدام، تنها توانایی ایجاد یک فرد را دارند؛ در حالی که بدن مردان، در هر آمیزش، نزدیک به چهارصد میلیون اسپرم آزاد می‌کند که هر کدام از آن‌ها، صلاحیت ایجاد یک انسان را دارند! جنس نر به صورت طبیعی، فاعل است و میل دارد اسپرم‌های خود را منتشر و تکثیر کند. در مقابل، جنس ماده، منفعل و گیرنده است و منتظر می‌ماند تا جنس نر او را برای جفت‌گیری انتخاب نماید! (رودز، ۱۳۹۲، ص ۱۸۸، کالات، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷).

۲. سطح بالاتر تحریک‌پذیری مردان در امور جنسی

بر اساس تحقیقات روان‌شناختی، مردان و زنان از لحاظ محرک‌های جنسی هم با یک‌دیگر تفاوت قابل توجهی دارند. گیرنده‌های محرک جنسی در مردان، بیش از دیگر اندام‌ها، در چشم تعیبه شده است (منطقی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۹ و رودز، ۱۳۹۲، ص ۸۷)؛ در حالی که زنان، اغلب از طریق حس شنوایی و لامسه تحریک می‌شوند (حسین زاده، ۱۳۹۰، ص ۷۷). از این رو، مردان، همواره به سبب فزونی محرک‌های دیداری (خصوصاً در این زمان) تحریکات جنسی را در سطح بسیار وسیع‌تری نسبت به زنان تجربه می‌کنند. اساساً زیبایی چهره و اندام زن، مهم‌ترین محرک جنسی برای مردان قلمداد می‌شود که میل به تنوع‌طلبی



را در آن‌ها تشدید می‌کند. پاسخ‌گویی مشروع، بهنجار و متناسب با سطح تحریکات جنسی، مردان را از آلوده شدن به گناه و فساد محافظت می‌کند و زمینه پدیدآیی خیانت، فساد و جنایت‌های جنسی را به شدت کاهش می‌دهد.

نکته دیگر این است که صبوری و مقاومت زنان در برابر تکانه‌های جنسی از مردان بیش‌تر است (قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۱۱) مردان در برابر تکانه‌های جنسی، ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرترند (نساء: ۲۸) و اگر به گونه‌ای صحیح و واقع‌بینانه با این مسأله برخورد نشود، ناکامی‌های مکرر جنسی، زمینه انحراف و ابتذال را در آنان ایجاد می‌کند (بستان، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳).
به نظر می‌رسد توصیه‌های مکرر اسلام به زنان در مورد حجاب و عفاف، و سفارش‌های مؤکد به مردان درباره پرهیز از نظربازی و چشم‌چرانی، به سبب همین تفاوت فیزیولوژیک و روان‌شناختی زن و مرد است؛ البته نیک می‌دانیم که همه مؤمنان، اعم از زن و مرد، به رعایت پوشش لازم و پرهیز از نظر شهوت‌انگیز در مواجهه با غیرهمسر مکلف شده‌اند. (نور: ۳۰ و ۳۱).

۳. ارتباط هیجانات جنسی زنانه با عواطف و احساسات

پژوهش‌های روان‌شناختی اثبات کرده‌اند که زن و مرد به لحاظ ارتباط عواطف با هیجان جنسی با یک‌دیگر متفاوت‌اند. امیال جنسی زنان به صورت معناداری تحت‌تأثیر هیجانات و احساسات عاطفی آن‌هاست. مردان، عشق‌باز و زنان عشق‌ورزند. آنچه برای مردان در ارتباط با زنان، اولویت دارد، کام‌یابی و عشق‌بازی است؛ در حالی که توجه اصلی و معمول زنان به عشق‌ورزی و ارتباط عاشقانه و عاطفی است (دهنوی، ۱۳۹۲، ص ۷۰) مرد، بنده شهوت، و زن، اسیر محبت است (رودز، ۱۳۹۲، ص ۸۴) آنچه مرد را می‌لغزاند و از پا در می‌آورد، شهوت جنسی، و آنچه زن را در برابر مرد، سست و تسلیم می‌کند، نیاز عاطفی است (منطقی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۳).
به اعتراف روان‌شناسان، صبر و استقامت زن در برابر شهوت از مرد بیش‌تر است؛ اما آن چیزی که زن را سست می‌کند و می‌لغزاند، شنیدن نغمه صفا، وفا و عشق از جانب مرد است (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۷۸).

زنان، معمولاً در رابطه جنسی به دنبال تقویت عشق و تعمیق روابط عاطفی هستند (گری، ۱۳۹۳، صص ۱۴۸ - ۱۹۶) به همین جهت، عموم زنان نمی‌توانند با مردی که به او علاقه ندارند یا از دست او دلخور و آزرده‌خاطرند، رابطه جنسی رضایت‌بخشی داشته باشند.



زنی که می‌خواهد تن خود را در اختیار لذت‌جویی مردی قرار دهد، ابتدا باید به او دل‌باخته باشد؛ وگرنه قادر به ایجاد رابطه‌ای ارضاکنده و آرامش‌بخش نیست. غالب زنان در روابط جنسی، هنگامی به ارگاسم و اوج لذت می‌رسند که پیش از آن، از لحاظ هیجانی و عاطفی به سطح مطلوبی از ارضا رسیده باشند (یونسی، ۱۳۸۸ و رودز، ۱۳۹۲، ص ۸۱). برای مردان مجزا کردن رابطه جنسی از رابطه عاطفی، به سادگی ممکن است، اما زنان تمایل دارند که تماس جنسی را نوعی رابطه عاطفی ببینند. برای زنان معمولاً صمیمیت عاطفی بر تمایلات جنسی مقدم است (اولسون، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸)؛ در حالی که میل جنسی مردان تحت تأثیر حالات عاطفی آنها قرار ندارد.

مرد می‌تواند با زنی که اصلاً او را دوست ندارد و حتی از او متنفر است، رابطه جنسی برقرار کند و از او کام‌گیرد! اما زنان فراوانی وجود دارند که علی‌رغم تجربه سال‌های مدید زندگی زناشویی، به سبب ناکسندی از ازدواج یا مشکلات عاطفی با همسر، به ندرت به مرحله ارگاسم و اوج لذت جنسی رسیده‌اند. زن می‌خواهد دل مرد را تسخیر نماید، از راه دل بر او مسلط شود و از درون قلبش بر او نفوذ کند. بر خلاف مرد، شهوت زن، انفعالی و تحریکی است و تحریک او تنها از راه محبت و عشق میسر است (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۶۵).

۴. نقش مؤثر زن در حفظ کیان خانواده

از آنچه در بند قبل گفته شد، باید به نکته مهم دیگری نقب بزنیم که در حل این مسأله بسیار راهگشاست. حقیقت این است که زن، محور و قلب خانواده است. زن باید همه احساسات و عواطف خود را در محیط خانه و در ارتباط با همسر و فرزندانش جاری کند و اعضای خانواده را از مهربانی و محبت خود سیراب گرداند. مهربانی و محبت زن، مهم‌ترین عامل حفظ و کارآمدی خانواده است.

چنانکه گفته شد، زنان برای ایجاد رابطه جنسی موفق و کامیاب، به برقراری رابطه عاطفی مطلوبی نیازمندند. حال اگر زنی بخواهد از غیر همسر خود به لذت جنسی دست یابد، باید پیش‌تر به او دل ببازد و با او رابطه صمیمانه برقرار کند. ابراز علاقه و عشق زن به مردی غیر از همسر خود، به معنای مرگ تدریجی خانواده، و ایجاد رابطه جنسی با او، مهر پایانی بر وجود و کارایی آن خانواده خواهد بود. زیرا زنان هرگز نمی‌توانند در آن واحد، دو مرد را، به

عنوان همسر، دوست بدارند و به هر دو وفادار بمانند و از هر دو کام بستانند (منطقی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۹)؛ از این رو علاقه به غیرهمسر، مساوی با بی‌علاقگی به همسر و نفرت از اوست، و نفرت از همسر، یعنی فروپاشی خانواده!

اسلام به موضوع خانواده، توجه ویژه‌ای دارد و خانواده را بهترین و مؤثرترین محیط برای پرورش استعدادهای الهی و انسانی افراد و پیش‌نیازی ضروری و جایگزین‌ناپذیر برای ساختن جامعه‌ای سالم و پویا می‌داند. از این رو هر عاملی که به بنیان خانواده آسیب رساند و آن را دچار اختلال کند، برنمی‌تابد و با آن مخالفت می‌کند.

زن، قلب خانواده است و تنها می‌تواند برای یک خانواده بتپد و آرامش و عشق و امید را در آن زنده نگه دارد! (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۳۴ - ۳۵).

۵. ناسازگاری چندشوهری با منافع زنان

چندشوهری، هم با طبیعت زن ناسازگار است و هم با منافع او. زن از مرد تنها انتظار ارضای میل جنسی ندارد، که گفته شود هرچه شوهر بیش‌تر، برای زن بهتر! بلکه از مرد می‌خواهد که قلب خود را در اختیار او بگذارد، حامی و مدافع او باشد، برای او فداکاری کند، زحمت بکشد، محصول کار و زحمت خود را نثار او کند و غم‌خوار او باشد (مطهری، ۱۳۳۷، ۲۲۹ و گری، ۱۳۹۳، ص ۵۰۷).

پولی که مرد به زن، به عنوان «روسپی» می‌داده و می‌دهد، همچنین پولی که زن از راه کار و فعالیت خود به دست آورده و می‌آورد، نه به احتیاجات مالی وسیع زن - که چندین برابر احتیاجات مرد است - وافی بوده و نه ارزش آن پولی را داشته که مرد، به سبب علاقه و محبت و در راه عشق، به زن می‌پرداخته است (همان، ۱۳۷۳، ص ۲۹۹ و رودز، ۱۳۹۲، صص ۱۱۲ - ۱۱۳).

زن در صورت داشتن چندشوهر، هرگز نمی‌توانست حمایت و محبت خالصانه یک مرد را نسبت به خود جلب کند. از این رو چندشوهری، نظیر روسپی‌گری، همواره مورد تنفر زنان بوده است. چندشوهری، نه با تمایلات مرد تطابق دارد و نه با خواسته‌های زن سازگار است (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۳۸۱).





۶. حفظ کرامت و جایگاه والای زن

پیش‌تر گفتیم که نگاه اسلام به زن، نگاهی برخاسته از تکریم و تقدیس است. خداوند غیور است^[۱۶] (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۵۳۵) و زن مؤمن، ناموس اوست. خداوند دوست دارد و می‌خواهد که زن، با کرامت، بزرگواری و احترام زندگی کند و توسط مردان هوس‌باز، خوار، بی‌مقدار و تحقیر نشود. حکمت بسیاری از احکام، از جمله حجاب و محدودیت‌های تعیین شده در روابط نامحرم، حراست از زن و حفظ او از آسیب‌هاست (احزاب: ۵۹؛ نور: ۳۱).

رابطه جنسی زن با مردان بیگانه، گدایی کردن لذت جنسی از مردان هوس‌باز است. خداوند زن را مظهر ناز، غرور و تکبر، و مرد را مظهر نیاز و طلب آفریده و این‌گونه، زنان را در برابر درشتی و خشونت مردان محافظت کرده است. زنی که برای ارضای میل جنسی خود به سوی مردی بیگانه دست دراز می‌کند، در حقیقت به پایمال شدن کرامت و قداست خود رضایت داده است.

زن، مجاز است که تن خود را در اختیار مردی قرار دهد که او را دوست دارد و برای همه وجودش ارزش و احترام قائل است و از جسم او به روحش نقب می‌زند، نه آن که از جسمش کام گیرد و روح او را حقیر و پست می‌شمارد!

۷. اختلال در زنجیره نسلی با چندشوهری زنان

روابط متعدد و خارج از چارچوب خانواده، نسل سالم و انتساب‌های روشن را در هاله‌ای از ابهام و تردید فرو می‌برد و همین امر موجب اختلال در روابط عاطفی پدران و فرزندان می‌شود. وقتی مردی با چندهمسر رابطه داشته باشد و از آن‌ها صاحب اولاد شود، به روشنی و اطمینان می‌داند که کودک که دنیا آمده فرزند خود اوست. در این صورت، هم با فرزند خود رابطه عاطفی پیدا می‌کند و هم مسؤولیت تأمین نیازمندی‌های زن و فرزند خود را می‌پذیرد. اما اگر مردی مطمئن نباشد که کودک که دنیا آمده از آن خود اوست، نه رابطه عاطفی مناسبی میان بچه و پدر شکل می‌گیرد، و نه مرد زیر بار تعهدات پدران می‌رود (بستان، ۱۳۹۲، ص ۶۱).

حال اگر مدل چندشوهری را تجویز کنیم، آنگاه زنجیره نسلی و روابط عاطفی میان انسان‌ها دچار اختلالات جدی می‌شود و این امر، پیامدی جز رهاشدگی فرزندان و فروپاشی خانواده‌ها نخواهد داشت. چرا مردان بیش‌تر از زنان به خیانت جنسی همسر حساسیت نشان

می‌دهند؟ پاسخ این است که مرد باید مطمئن باشد فرزندی که برای آن‌ها معاش تأمین می‌کند، از خود او هستند؛ در حالی که زن خیانت‌کار، این اطمینان را تهدید می‌کند. روابط زن با مردان متعدد اولاً با روحیه انحصارطلبی مرد، و ثانیاً با حس اطمینان او از صحت انتساب فرزندان، ناسازگار است. علاقه به فرزند، میل طبیعی و غریزی بشر است. بشر طبعاً می‌خواهد توالد و تناسل کند، می‌خواهد رابطه‌اش با نسل گذشته و آینده، مشخص و اطمینان‌بخش باشد، می‌خواهد بداند فرزند کدام پدر است و پدر کدام فرزند است. چندشوهری زن، همواره با این غریزه و طبیعت آدمی ناسازگار بوده است؛ بر خلاف چندزنی مرد، که از این نظر نه به مرد لطمه می‌زند و نه به زن.

۸. ناسازگاری چندشوهری زنان با غیرت مردانه

یکی از موانع جدی چندشوهری، وجود غیرت در مردان است. صفت غیرت، نوعی برانگیختگی حس دفاع یا حمایت از شیء ارزشمندی است که مورد تهدید یا تعدی و تعرض قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۷۵) چنانچه آن شیء ارزشمند، از مقوله جنسی و ناموسی باشد - که شرافت افراد به آن گره می‌خورد - به آن برانگیختگی و تغییر حالت، غیرت جنسی گفته می‌شود. غیرت، حالتی است که مقوم اصلی آن، تهدید شدن یک رابطه انحصاری، خصوصاً رابطه جنسی است و معمولاً احساس ترس، ناراحتی و خشم را به همراه دارد (بستان، ۱۳۹۱، ص ۶۴).

اگر چه درباره معنای صفت غیرت، اتفاق نظری وجود ندارد، اما مقبولیت آن در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون قابل انکار نیست. برخی از اندیشمندان مسلمان آن را غریزی دانسته‌اند و شماری از محققان غربی نیز ضمن پذیرش تأثیرات فرهنگ بر ایجاد چنین احساسی، بر جنبه طبیعی و فطری آن تأکید، و در تأیید نظر خود به شواهدی از دنیای حیوانات اشاره کرده‌اند.

در روایتی آمده است: «اگر مردی غیرت نداشته باشد، قلبش وارونه است.» (حرعاملی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۱۰۸) این تعبیر شاید اشاره به جنبه فطری و غریزی غیرت باشد؛ از این لحاظ که وارونه بودن قلب، کنایه از تغییر فطرت و آفرینش اولیه انسان است (بستان، ۱۳۹۱، ص ۶۲).

در روایت دیگری نیز آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «همانا بوی بهشت از پانصد سال راه شنیده می‌شود؛ ولی به مشام کسی که پدر و مادرش را از خیر خود محروم کرده است و نیز به دیوث نمی‌رسد»؛ پرسیدند: «یا رسول الله! دیوث کیست؟» فرمود: «کسی که همسرش زنا





می‌کند و او می‌داند (اما واکنشی از خود نشان نمی‌دهد) (حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۲۳۶). اسلام دین فطرت است و آنچه در این دین، مورد امر یا نهی قرار گرفته، ریشه در فطرت آدمی دارد (روم: ۳۰) غیرت نیز یکی از خصلت‌های فطری انسان است. مردان به صورت طبیعی نسبت به مادر، خواهر و همسر خود غیرت دارند و این غیرت مردانه، مانع هرگونه بهره‌وری جنسی اغیار از آنان می‌شود.

از این رو طرح مدل چندشوهری همواره با شکست مواجه شده و می‌شود؛ زیرا چندشوهری جز به تخریب کرامت و شخصیت زن نمی‌انجامد و زن را به ابزاری برای تأمین نیازهای جنسی مردان متعدد تبدیل می‌کند. از این رو هیچ مرد سالم و بهنجاری، رابطه جنسی همسر خود با مرد دیگری را تاب نمی‌آورد.

۹. ناکارآمدی و غیرعملی بودن چندشوهری زنان

نقطه ضعف دیگر الگوی چندشوهری، ناکارآمدی آن در صحنه عمل است. این الگوی فرضی علاوه بر مغایرت با طبیعت زنان، در عمل هم ناشدنی است. مگر یک زن چقدر انرژی و توان دارد که بتواند در آن واحد در چند خانواده به ایفای نقش همسری و مادری بپردازد؟! از آنجا که مهم‌ترین و سخت‌ترین نقش در خانواده به زنان واگذار شده است و زن علاوه بر نقش همسری باید مادری هم بکند، ایفای کامل و رضایت‌بخش این دو نقش، جز در صورتی که زن در یک خانواده و با یک مرد زندگی کند، شدنی نیست. زنان دوران عادت ماهانه را به صورت مداوم تجربه می‌کنند و بارداری، شیردهی و پرورش کودکان خود را نیز به عهده دارند و در این مقاطع، به آرامش، فراغت، حمایت مرد و استراحت لازم نیاز دارند. الگوی چندشوهری به فرسودگی، سردرگمی، فشار زیاد و انواع اختلالات جسمی و روانی زنان منتهی می‌شود.

چندهمسری مردان، بهترین الگو برای حل معضلات جنسی

پرسش اساسی این است که اگر در جامعه‌ای با انبوه زنان آماده برای ازدواج رو به رو شدیم، چه الگوی مؤثری را می‌توانیم برای تأمین نیازهای آنان به کار ببریم؟ با تأمل در این مسأله، سه الگوی فرضی را می‌توان مورد بررسی قرار داد:

الگوی اول: الگوی پیشنهادی جوامع غربی و غرب‌گرا، منع تعدد همسران و در مقابل، آزادی جنسی است! این الگو، اگرچه ظاهراً برای دفاع از تساوی حقوق زن و مرد در خانواده

مطرح شده، ولی همواره نتیجه‌ای ضد آن داشته و به فروپاشی کانون خانواده انجامیده است. در دنیای امروز، حرم‌سراها منسوخ، و حرم‌سرداری، کاری ناپسند شده، اما آیا زمینه‌ی ایجاد آن‌ها هم از میان رفته است و در نتیجه، همه جوانان به ازدواج روی آورده‌اند؟ خیر! بلکه دنیای مدرن با عفاف و تقوای زن، مبارزه کرده و از این راه، بزرگ‌ترین خدمت را به جنس مرد کرده است. تقوا و عفاف زن به همان نسبت که به او ارزش می‌دهد و او را عزیز و گران‌بها می‌کند، برای مرد هوس‌ران مانع شمرده می‌شود. دنیای امروز کاری کرده است که مردان عیاش، دیگر نیازی به تشکیل حرم‌سرا با آن همه خرج و زحمت نداشته باشند. برای مرد این قرن، از برکت تمدن غرب، همه جا حرم‌سراست! (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۶۵).

هم‌چنین، الگوی غربی، به هیچ روی، حقوق طبیعی زنان بازمانده از ازدواج را تأمین نمی‌کند؛ زیرا اختصاص شغل و بیمه و رفع نیازهای مادی، تنها پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای معمول آنان است و نیازهای مهم و انسانی آنان را تأمین نخواهد کرد.

حق تأهل، از طبیعی‌ترین حقوق بشری است. هیچ‌کس را به هیچ بهانه و عنوانی، نباید از این حق طبیعی محروم کرد. جامعه نباید کاری بکند که نتیجه آن، محرومیت گروهی از انسان‌ها از این حق باشد. همان‌گونه که حق کار، حق خوراک، حق مسکن، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی و ... جزء حقوق اصلی بشر شمرده می‌شوند و به هیچ وجه و زیر هیچ عنوانی نمی‌توان آن‌ها را از انسان‌ها سلب کرد، حق تأهل هم حقی طبیعی است.

در شرایطی که شمار زنان آماده به ازدواج، از مردان آماده به ازدواج، فزونی یابد، قانون تک‌همسری، حق تأهل را از بسیاری از زنان خواهد گرفت. پس قانون تک‌همسری برخلاف حقوق طبیعی انسان‌هاست و اگر به بهانه برابری حقوق زن و مرد بخواهیم بر آن پافشاری کنیم، مفاسد بسیاری را به دنبال خواهد داشت؛ چنانکه در کشورهای غربی و غرب‌زده شاهد چنین مسائلی هستیم.

از سوی دیگر، تعدد زوجات همیشه برای تأمین نیاز زنان نیست؛ بلکه گاهی مردان دارای همسر نیز، به سبب بیماری همسر یا علل دلایل دیگر، نمی‌توانند نیازهای جنسی خود را ارضا کنند. حال اگر تعدد زوجات را ممنوع بشماریم، برای این افراد، راهی جز سرکوب نیاز طبیعی یا تأمین آن از راه‌های نامشروع وجود نخواهد داشت.

منع تعدد زوجات، نتیجه‌ای جز رواج روسپی‌گری، ایجاد روابط پنهانی، فروپاشی خانواده و





زوال کرامت زنان به بار نخواهد آورد. در یک مطالعه میان فرهنگی معلوم شد که از ۹۵ کشور مورد مطالعه، ۴۷ درصد خالی از تجاوز جنسی بودند که این امر می‌تواند شاهدی بر وجود همبستگی میان برابری جنسی در غرب و افزایش میزان تجاوز جنسی به زنان باشد. بر پایه این مطالعات اموری مانند تمکین جنسی زن در قبال خواست شوهر، ازدواج موقت و چندزنی می‌تواند به عنوان راهکارهای اسلامی در جهت ارضای جنسی مطلوب و در نتیجه کاهش ستم جنسی به زنان در نظر گرفته شود (بستان، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

الگوی دوم: در این الگو، ضمن تأکید بر تک‌همسری، روابط آزاد جنسی نیز ممنوع اعلام می‌شود. این دیدگاه را فمینیست‌های مسلمان، به بهانه دفاع از حقوق زن و برابری با مردان پیشنهاد کرده‌اند، که اگرچه ظاهراً در صدد حفظ خانواده و اخلاق اجتماعی است، اما با فرار از واقعیت‌های روان‌شناختی انسان‌ها، جز فروپاشی تدریجی خانواده و رواج روابط نامشروع پنهانی و روسپی‌گری نتیجه‌ای به دنبال ندارد (بستان، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

الگوی سوم: مدل فقه اسلامی است. اسلام با حلال شمردن تعدد زوجات برای مردان و قرار دادن ضوابط و چارچوب‌های محکم برای آن، هم به واقعیت‌های جنسی مردان توجه کرده و هم تأمین نیازهای زنان بی‌شوهر و حفظ کرامت آنان را در نظر گرفته است.

زنان و پاداش محرومیت‌های جنسی

در این جا پرسش مهمی مطرح می‌شود. برخی ممکن است اشکال کنند که آنچه گفته شد، درباره زنان متأهلی که از موهبت ارضای مطلوب نیاز جنسی خود توسط همسرانشان برخوردارند، پذیرفتنی است، اما درباره زنانی که به سبب اعتیاد یا بیماری یا دوری طولانی مدت همسر خود یا علل دیگری از تأمین نیازهای جنسی خود محروم‌اند و امکان جدایی و ازدواج مجدد هم برای آن‌ها وجود ندارد، قابل پذیرش نیست. آیا این عادلانه است که مردان بتوانند به هر شکل ممکن، نیازهای جنسی خود را تأمین کنند، اما زنان از این حق محروم باشند و محرومیت آن‌ها به هیچ صورت برطرف یا جبران نشود؟!

در پاسخ باید گفت اگر زن از محرومیت جنسی طولانی مدت رنج ببرد و امکان جدایی از همسر و ازدواج مجدد برای او فراهم باشد، تنها راه مشروع و مطلوب، جدایی از همسر کنونی و ازدواج با مرد دیگری است. اما اگر به هر علتی نتواند از همسرش جدا شود و مجبور باشد که تلخی محرومیت جنسی را تا سال‌ها، بلکه تا پایان عمر تحمل کند، پاداش مناسبی از

سوی خداوند دریافت خواهد کرد.

وقتی از نظرگاه اخلاق دینی به این موضوع بنگریم پنجرهٔ روشنی به سوی ما گشوده می‌شود. مسلماً زنان مؤمن و عفیف در پاره‌ای از موارد، متحمل ناکامی‌ها و محرومیت‌های جنسی می‌شوند، اما پاکدامنی خود را - که امانتی الهی است - به قیمت کامیابی جنسی نامشروع زیرپا نمی‌گذارند. این از خودگذشتگی عقیفانه و تحمل سختی و ناکامی برای حفظ سلامت روانی و معنوی جامعه، پاداشی در خور و عوضی متناسب از جانب خداوند حکیم و رحیم دارد.

آنچه از آیات کریمهٔ قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به دست می‌آید، این است که هر عمل و تلاشی که زن و مرد مؤمن برای قرب الی الله و دوری از گناه انجام بدهند، پاداشی به وسعت رحمت و لطف خداوند به دنبال دارد^[۱۷] (رک: اعراف: ۱۵۶). از این رو محدودیت و محرومیت زنان در ارضای میل جنسی و دیگر فداکاری‌هایی که در راه انجام تکالیف دینی و حفظ بنیان خانواده و ساختن جامعه‌ای متعالی از خود نشان می‌دهند، یقیناً استحقاق پاداش دنیوی و اخروی فراوان دارد و خداوند بهترین وفا کننده به وعده‌های خویش است!^[۱۸] (توبه: ۱۱۱).

در مواردی که زن به علت ناتوانی جنسی همسر یا شرایط خاص او، از جمله سفرهای متعدد و طولانی مدت کاری، از محرومیت‌های جنسی رنج می‌برد، می‌تواند در خواست طلاق کند و در صورتی که مرد نخواهد یا نتواند شرایط رضایت‌بخشی را برای او فراهم آورد، از او جدا شود و با مرد دیگری ازدواج کند. اما در جایی که جدایی زن به فروپاشی خانواده می‌انجامد و یا رفتاری خلاف منش انسانی و اسلامی است (مثلاً در صورتی که ناتوانی جنسی همسر ناشی از بیماری باشد)، ماندن و شکیبایی زن بر محرومیت‌ها و ناکامی‌ها، رفتاری ارزشمند است و چنان که پیش‌تر گفتیم، پاداش واسع الهی را در دنیا و آخرت در پی خواهد داشت. خداوند مهربان، حتی ذره‌ای کار خیر و نیک را بی‌پاسخ نمی‌گذارد^[۱۹] (زلزال: ۷) و به بنده‌ای که برای خشنودی او، بر تمناهای نفسانی‌اش (هرچند مباح باشد) پای بگذارد و رضایت او را بر رضایت خویش مقدم دارد، اجری بی‌حساب خواهد داد!^[۲۰] (حرعاملی،



مواجهه فعالانه با امیال جنسی

بهترین توصیه به زنانی که محرومیت‌های جنسی را تحمل می‌کنند و برای ارضای مشروع نیازهای خود، راهی ندارند، این است که با والایش انرژی‌های جنسی و جهت دادن آن به سمت فعالیت‌های هنری، فکری، ورزشی، اجتماعی و معنوی و نیز در پیش گرفتن رژیم غذایی مناسب، مانع از آسیب‌های جسمی و روحی خود شوند. علاوه بر این، باید از تمرکز بر مسائل جنسی (نظریازی، دیدن عکس‌ها و فیلم‌های محرک، گفتگو درباره مسائل جنسی و...) بپرهیزند و بکوشند که با خودگویی‌های منطقی و آرام کننده، انس با عبادت و تلاوت قرآن، یادکرد مداوم پاداش‌های الهی و درس گرفتن از زندگی زنانی که همین شرایط را با صبوری و پاکدامنی پشت سر گذاشته و می‌گذارند، با شرایط خود کنار بیایند.

نتیجه

از نگاه نظام ارزشی اسلام، زن، جایگاهی همانند مرد دارد و در اصل انسانیت و مراتب معنوی، اخلاقی و انسانی میان آن‌ها تفاوتی نیست. تفاوت‌هایی که در قلمرو برخی از حقوق و تکالیف میان زن و مرد وجود دارد، دلیل برتری مرد بر زن نیست؛ بلکه برخاسته از تفاوت‌های واقعی فیزیکی، فیزیولوژیک و روانشناختی و با هدف تنظیم روابط سالم و سودمند فردی و اجتماعی، در نظر گرفته شده است. اسلام در موضوع نیاز جنسی، همانگونه که به نیاز مرد توجه دارد به نیاز زن هم توجه کرده و سازوکارهای گوناگونی را برای استیفای حق جنسی زن به کار گرفته است. تفاوت‌های خاصی که در فقه اسلامی در شیوه‌های پاسخگویی به این نیاز میان زن و مرد مقرر شده برخاسته از تفاوت‌های واقعی روانشناختی، جامعه‌شناختی و فیزیولوژیک آن‌ها و کاملاً عادلانه و حکیمانه است. علاوه بر این چنانچه زنان به سبب محدودیت‌های ارضای جنسی به محرومیت‌هایی در این راستا گرفتار شوند، دشواری‌ها و محرومیت‌های آنان به شیوه‌های دیگری در دنیا و آخرت از سوی خداوند حکیم و مهربان جبران خواهد شد.



پی‌نوشت‌ها

[۱] امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ؛ بیشترین خیر و برکت در وجود زن نهاده شده است.»

[۲] «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ «و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»

[۳] پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلْطَفَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مُؤْنَسَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِيَّاتٌ؛ دختران، چه خوب فرزندان هستند، مهربان و سازگار، کمک‌رسان، فراهم‌کننده راحتی، اهل انس و الفت، پر خیر و برکت، نظیف و پاکیزه.»

[۴] «كُلَّمَا أَزْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَانًا أَزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ؛ هر چه ایمان بنده بیشتر شود، زن دوستی او فزونتر می‌شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۲۸).

[۵] «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَ لَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَنِيمٍ؛ بهترین شما کسی است که برای خانواده خویش بهترین باشد و من از همه شما برای خانواده خود بهترین هستم. بزرگ‌مردان و انسان‌های کریم، زنان را گرامی می‌شمارند و فرومایگان، زنان را خوار می‌دارند.» (پاینده، ۱۳۶۳، ص ۴۷۲).

[۶] منظور از تقوا آراستگی به همه فضایل و خصلت‌های نیک فکری، عاطفی و رفتاری و پیراسته بودن از رذیلت‌ها در همه مراتب وجود انسانی است؛ همچنان‌که امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «التَّقْوَى رَيْسُ الْأَخْلَاقِ؛ تقوا و خداترسی، سر کرده خصلت‌های نیکوست.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۳).

[۷] «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَيِّتِينَ وَالْقَيِّتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْحَشِيعِينَ وَالْحَشِيعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّانِعِينَ وَالصَّانِعَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ «به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر





و شکيبا و زنان صابر و شکيبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.» (أحزاب: ۳۵).

[۸] ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء: ۷۰).

[۹] برای آگاهی بیشتر، رک: المیزان، ذیل تفسیر آیه ۷۰ سوره اسراء.

[۱۰] ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات: ۱۳).

[۱۱] این قاعده برگرفته از آیات و روایات متعددی است که همه بر این معنا دلالت می کنند که یاری کردن دیگران برای انجام گناه، گناه و حرام است.

[۱۲] بر پایه این قاعده فقهی - که برگرفته از یکی از احادیث مشهور و صحیح السند نبوی (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) است - هرگونه حکمی (اعم از وجوبی و تحریمی) که موجب ضرر زدن به خود یا دیگری شود، در اسلام وجود ندارد و اگر حکمی از احکام اسلامی، در شرایط خاصی مصداق ضرر یا ضرار پیدا کند، برداشته می شود. البته برخی از فقیهان بر این باورند که قاعده نفی ضرر و ضرار، علاوه بر نفی حکم ضرری، مثبت حکم هم هست. یعنی هر رفتاری که به ضرر قابل اعتنایی به خود مکلف یا دیگری منجر شود، حرام است، هرچند به عنوان اولی، مباح باشد.

[۱۳] برگرفته از آیه کریمه ﴿وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾؛ «با زنان به نیکی (آنچنان که عرف عقلانی جامعه می پسندد) رفتار کنید.» (نساء: ۱۹).

[۱۴] برگرفته از آیه کریمه ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾؛ «خداوند بر شما در دین، حکم دشوار و بیش از طاقت شما قرار نداده است» (حج: ۷۸).

[۱۵] برگرفته از آیه کریمه ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْكُمْ بِالْمَعْرُوفِ﴾؛ «و برای زنان است از حقوق (بر عهده مردان)، همانند آنچه بر عهده آنان از تکلیف است (به سود مردان)» (بقره: ۲۲۸).

[۱۶] ﴿إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ غَيْرُ يُجِبُ كُلَّ غَيْرٍ وَ لَغَيْرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا؛ همانا خداوند تبارک و تعالی با غیرت است و مردان غیور را دوست دارد و از همین رو، زشتی ها را چه آشکار و چه پنهان حرام کرده است.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۵۳۵).

[۱۷] ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾؛ «و رحمتم همه چیز را فراگرفته و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند و زکات بپردازند و آنها که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت» (اعراف: ۱۵۶).
 [۱۸] ﴿وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ﴾؛ «و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟!» (توبه: ۱۱۱).

[۱۹] ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾؛ «پس هر کس هم وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند!» (زلزال: ۷).

[۲۰] «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ بَهَائِي وَ عَلُوَّ ارْتِفَاعِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ هَوَايَ عَلَى هَوَاهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِي نَفْسِهِ وَ هِمَّتَهُ فِي آخِرَتِهِ وَ ضَمَّنْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَتِهِ كُلِّ تَاجِرٍ؛ خداوند عزوجل می‌فرماید: به عزت و جلال و عظمت و شکوه و بلندی جایگاهم سوگند که هیچ بنده مؤمنی در چیزی از امور دنیا خواست مرا بر خواست خودش مقدم ندارد، مگر اینکه به او غنای نفس بخشم و هم و غمش را مصروف آخرت سازم و آسمان‌ها و زمین را ضامن روزی او قرار دهم و از پس تجارت هر تاجری، هوای او را داشته باشم.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۷).



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اسلامی نسب، علی، مشاوره ازدواج و زناشویی، تهران: نسل نواندیش، ۱۳۸۵.
۲. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، بیروت: مؤسسه الاعلمی، بی تا.
۳. اولسون، دیوید، و امی اولسون، توانمندسازی همسران، ترجمه کامران جعفری نژاد و منصوره اردشیرزاده، تهران: سازمان بهزیستی، ۱۳۸۳.
۴. بستان، حسین، اسلام و تفاوت‌های جنسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۵. _____، نابرابری جنسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۶. _____، جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران: دنیای دانش، ۱۳۶۳.
۸. پسندیده، عباس، غیرت، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۱.
۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۰. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۱. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، تهران: منشورات مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۵ق.
۱۲. حسین زاده، علی، آداب و کارکردهای روابط جنسی سالم از دیدگاه اسلام و آسیب‌های روان‌شناختی آن، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، بهار و تابستان ۱۳۹۰.





۱۳. خداپناهی، محمدکریم، روان‌شناسی فیزیولوژیک، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۱۴. خمینی، امام روح‌الله، تحریرالوسیله، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۵. دردشتی، احمدرضا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مقایسه کارآمدی خانواده در دو گروه خانواده‌های والدین شاغل و پدر شاغل، قم: موسسه امام‌خمینی، ۱۳۹۱.
۱۶. دهنوی، حسین، گلبرگ زندگی، قم: انتشارات خادم‌الرضا، بی‌تا، ۱۳۹۲.
۱۷. رحمانی همدانی، احمد، فاطمه الزهرا علیها السلام بهجة قلب المصطفی، قم: انتشارات دفتر تحقیقات بدر، ۱۳۷۸.
۱۸. روحانی، محمد، فیزیولوژی اعصاب و غدد درون‌ریز، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۱۹. رودز، استون. ای، تفاوت‌های جنسی را جدی بگیریم، ترجمه معصومه محمدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۲۰. سبحانی، جعفر، السنة النبویة بین الروایة و الدراية، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۰.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: انتشارات علمی، ۱۳۹۳ق.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: شریعت، ۱۳۸۶.
۲۳. فاضل لنکرانی، محمد، سیری در اصول فقه، قم: نشر فیضیه، بی‌تا.
۲۴. قمی، شیخ عباس، سفینة البحار، بی‌جا، بی‌تا.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم کنونی، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
۲۶. کالات، جیمز روان‌شناسی فیزیولوژیک، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان، ۱۳۸۸.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الاصول الکافی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۲۸. گری، جان، آنچه مادرم نگفت و پدرم نمی‌دانست، ترجمه شیرین یزدانی، قم: نورالنور، ۱۳۹۳.
۲۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۳۰. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، قم: صدرا، ۱۳۷۷.
۳۱. _____، نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا، ۱۳۷۳.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهية، قم: انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، بی تا.
۳۳. منطقی، مرتضی، زن شرقی مرد غربی، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۹۰.
۳۴. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۳۵. یونسی، جلال، مدیریت روابط زناشویی، تهران: انتشارات قطره، ۱۳۸۸.

